

چکیده

فرهنگ و حقوق فرهنگی، در مکاتب فلسفی، اسناد بین المللی و اسناد داخلی همواره مورد تأکید و توجه بوده است. به موجب اسناد بین المللی، حقوق فرهنگی شهروندان به رسمیت شناخته شده و دولت ها به طور خاص مورد خطاب قرار گرفته اند و برای تضمین و رعایت این حقوق متعهد به انجام وظایف و اقداماتی شدند. از سوی دیگر سازمان یونسکو، حقوق فرهنگی را یکی از ابزارهای تحقق اهداف توسعه ی فرهنگی کشورها دانست. بر این اساس دولت های عضو از جمله ایران متعهد شدند اقدامات ضروری را در جهت حمایت از حقوق فرهنگی شهروندان خود انجام دهند. بدین ترتیب قوانین و مقررات فرهنگی متعددی در حقوق داخلی کشورها گنجانده شد. علاوه بر این از آنجا که توسعه ی ملی فرایندی بسیار پیچیده و پویاست و در مجموعه ای از روابط متقابل، فرایند توسعه و ابعاد زندگی بر یکدیگر تأثیر می گذارند، بنابراین پرداختن به بخش و جایگاه فرهنگ به ویژه در قوانین داخلی خصوصاً اسناد چشم انداز و برنامه های توسعه به مثابه ی یک ضرورت و عامل کارایی و اثر بخشی به شمار آمد.

دولت ها در حد ایجاد حیات مدنی سالم متعهد به رعایت حقوق فرهنگی شهروندان خود می باشند. رعایت حقوق فرهنگی در یک جامعه نشان دهنده ی رشد و توسعه ی آن جامعه است.

در این پژوهش تلاش شده است ضمن روشن ساختن مفهوم فرهنگ و حقوق فرهنگی، به موضوع تعهدات دولت در جهت رعایت آنها پرداخته شود. ماهیت تعهدات دولت، تبیین حقوق فرهنگی شهروندان در اسناد داخلی و بین المللی از دیگر مباحثی است که در این رساله مورد بحث قرار گرفته اند.

واژگان کلیدی:

مسئولیت، دولت، حقوق فرهنگی، ایران، اسلام

فهرست تفصیلی

مقدمه

فصل اول: تاریخچه ی حقوق فرهنگی و پیدایش دولت ۹

مبحث اول: مفاهیم مربوط به حقوق فرهنگی و تاریخچه ی آن ۱۲

گفتار اول: مفاهیم ۱۲

گفتار دوم: تاریخچه ی حقوق فرهنگی ۳۵

مبحث دوم: ایدئولوژی ها و مکاتب مربوط به حقوق فرهنگی ۳۸

گفتار اول: فرهنگ و ایدئولوژی ۳۸

بند اول: لیبرالیسم ۴۰

بند دوم: مارکسیسم و نئومارکسیسم ۴۳

الف: مارکسیسم ۴۳

ب: نئومارکسیسم ۴۴

بند سوم: پست مدرنیسم ۴۷

الف: پست مدرنیسم و تنوع فرهنگی ۵۱

مبحث سوم: پیدایش دولت مدرن و مسأله ی حقوق فرهنگی ۵۲

گفتار اول: مفهوم دولت مدرن ۵۲

گفتار دوم: مفهوم جامعه ی مدنی ۵۴

گفتار سوم: مسئولیت دولت مدرن در جامعه ی مدنی و مسأله ی حقوق فرهنگی ۵۹

فصل دوم: تعهد دولت نسبت به حقوق فرهنگی شهروندان در اسناد بین المللی ۶۴

مبحث اول: حقوق فرهنگی در اسناد بین المللی ۶۶

..... ۶۷	گفتار اول: اسناد جهانی حقوق فرهنگی
..... ۶۷	بند اول: اعلامیه ی جهانی حقوق بشر
..... ۶۹	بند دوم: میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
..... ۷۴	بند سوم: کنوانسیون منع تبعیض نژادی و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان
..... ۷۴	الف: کنوانسیون منع تبعیض نژادی
..... ۷۷	ب: کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان
..... ۷۹	بند چهارم: کنوانسیون حقوق کودک و اسناد یونسکو
..... ۷۹	الف: کنوانسیون حقوق کودک
..... ۸۲	ب: اسناد یونسکو
..... ۸۶	گفتار دوم: اسناد منطقه ای حقوق فرهنگی
..... ۸۶	بند اول: کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و پروتکل الحاقی آن
..... ۸۶	الف: کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر
..... ۸۸	ب: پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر
..... ۹۰	بند دوم: منشور آفریقایی حقوق بشر
..... ۹۵	مبحث دوم: تعهدات دولت ها نسبت به حقوق فرهنگی
..... ۹۸	گفتار اول: تعهدات به رفتار و نتیجه، احترام، حمایت و ایفا
..... ۱۰۰	گفتار دوم: مصادیق حقوق فرهنگی در اسناد بین المللی
..... ۱۰۱	بند اول: آزادی مذهب
..... ۱۰۵	بند دوم: آزادی بیان
..... ۱۱۰	بند سوم: حق بر آموزش
..... ۱۱۱	بند چهارم: حق بر مالکیت معنوی

بند پنجم: حق مشارکت فرهنگی و ارتقاء فرهنگ عمومی ۱۱۲

مبحث سوم: میراث فرهنگی در اسناد بین المللی ۱۱۶

گفتار اول: سیر تاریخی توجه جهانی به میراث فرهنگی ۱۱۶

گفتار دوم: نگاهی به نمونه ای از کنوانسیون های مربوط ۱۱۷

بند اول: کنوانسیون ۱۹۵۴ ۱۱۷

بند دوم: کنوانسیون ۱۹۷۰ ۱۲۱

بند سوم: کنوانسیون ۱۹۷۲ ۱۲۴

بند چهارم: کنوانسیون ۲۰۰۱ ۱۲۷

فصل سوم: تعهد دولت نسبت به حقوق فرهنگی شهروندان در اسناد داخلی ۱۳۲

مبحث اول: حقوق فرهنگی در اسناد داخلی ۱۳۴

گفتار اول: حقوق فرهنگی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۴

بند اول: مبانی حقوق فرهنگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۴

الف: مبانی دینی ۱۳۴

ب: مبانی حقوقی ۱۴۰

۱- رابطه ی فرهنگ و حقوق ۱۴۰

۲- تاریخچه ورود فرهنگ در حقوق و به رسمیت شناخته شدن حقوق فرهنگی ۱۴۳

بند دوم: بررسی مصادیق حقوق فرهنگی در اصول قانون اساسی ۱۴۵

الف: آزادی مذهب ۱۴۵

ب: آزادی بیان ۱۴۷

ج: حق بر آموزش ۱۴۸

د: حق بر مالکیت معنوی ۱۴۹

ه: حق مشارکت فرهنگی و ارتقاء علمی

.....۱۵۰
.....۱۵۳	گفتار دوم: حقوق فرهنگی شهروندان در قوانین عادی
.....۱۵۴	گفتار سوم: حقوق فرهنگی شهروندان در اسناد چشم انداز ۱۴۰۴ و برنامه های توسعه
.....۱۵۵	بند اول: فرهنگ و حقوق فرهنگی در اسناد چشم انداز
.....۱۵۶	الف: سند چشم انداز ملی ۱۴۰۴
.....۱۶۵	ب: چشم انداز فرهنگی ۱۴۰۴
.....۱۷۱	بند دوم: فرهنگ و حقوق فرهنگی در برنامه های توسعه
.....۱۷۵	الف: برنامه ی اول تا سوم توسعه
.....۱۷۵	۱- برنامه ی اول
.....۱۷۶	۲- برنامه ی دوم
.....۱۷۹	۳- برنامه ی سوم
.....۱۸۳	ب: برنامه ی چهارم و پنجم توسعه
.....۱۸۳	۱- برنامه ی چهارم
.....۱۸۸	۲- برنامه ی پنجم
.....۱۹۱	ج: مقایسه و تطبیق موارد مربوط با فرهنگ در اسناد چشم انداز و برنامه های توسعه
.....۱۹۱	۱- هویت ایرانی-اسلامی، برخورداری از روحیه ی ایثار و شهادت
.....۱۹۴	۲- تهاجم فرهنگی
.....۱۹۵	۳- میراث فرهنگی
.....۱۹۷	۴- تعلیم و تربیت
.....۱۹۷	۵- بهره مندی از معنویت دینی، امیدوار و آینده نگر
.....۱۹۷	۶- پیشرفت در عرصه ی فرهنگ عمومی و توجه ویژه به جوانان و مسأله ی مشارکت زنان

مبحث سوم: میراث فرهنگی در اسناد داخلی

گفتار اول: سیر تاریخی توجه به میراث فرهنگی در حقوق داخلی

بند اول: قبل از سال ۱۳۰۹

بند دوم: بعد از سال ۱۳۰۹

نتیجه

منابع و مأخذ

.....۱۹۹.....

.....۱۹۹.....

.....۲۰۰.....

.....۲۰۲.....

.....۲۱۵.....

.....۲۱۹.....

مقدمه:

مقدمه ی این رساله شامل طرح مسأله، ادبیات موجود، انگیزه و فایده ی تحقیق، مشکلات پیش رو، فرضیه، سوالات اصلی و فرعی و روش تحقیق و سازمان دهی مطالب می باشد.

طرح مسأله:

در آموزه های دین مبین اسلام، مکرراً به جنبه هایی از فرهنگ و حقوق فرهنگی و احترام و اهمیت به آن اشاره شده است. در بین آیات قرآن کریم و سخنان پیامبر و ائمه ی معصوم به موارد بسیاری از این دست برمی خوریم. به بیان دیگر می توان گفت که قسمت فرهنگی اسلام، مهمترین و اساسی ترین قسمت اسلام است. تصادفی نیست که وحی الهی بر پیغمبر اسلام با این آیات شروع شده است: " بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از علق آفرید. بخوان که خدای تو بهترین کریمان است... خدائیکه نوشتن را با قلم آموخت. خدائیکه به انسان آنچه نمی دانست را آموخت."^۱ به طور مسلم شروع شدن وحی الهی با این آیات، اهمیت و اساسی بودن قسمت فرهنگی اسلام را نشان می دهد.

فرهنگ از جمله مقولاتی است که گرچه تا کنون راجع به آن سخن زیاد گفته شده و عمری به درازای عمر بشر دارد ولی هنوز تعریف واحد و کاملی از آن ارائه نشده است. در حاشیه ی بحث فرهنگ، مفهوم حقوق فرهنگی مطرح می شود که حکومت ها مسئول اصلی آن شناخته شده و شهروندان می توانند رعایت و احترام به آن را از حکومت خود مطالبه کنند. در یک ارزیابی کوتاه می توان چنین برداشت کرد که فرهنگ زاینده ی فکر و عمل و دسترنج تلاش افراد و گروه های

۱. آیات ابتدایی سوره ی علق

انسانی است؛ اما از آنجا که در گذر زمان، مجموعه‌ی موضوعات و مفاهیم فرهنگی با هویت فراگیر محیط بر ابتکارات فردی شده است و افراد صرفاً در محدوده‌ی ساز و کارهای اجتماعی، ابتکار عمل دارند، حقوق فرهنگی جنبه‌ی حمایتی و تأمینی به خود می‌گیرد و منطقی‌اً دولت‌ها را از نظر اجتماعی مکلف به مراقبت و پاسداری از ارزشها و میراث فرهنگی و از نظر مطالبات فردی مکلف به تأمین امکانات لازم برای ارتقاء فرهنگی افراد می‌کند.^۱

تعریف فرهنگ، حقوق فرهنگی و نقش دولت‌ها در قبال آن همگی بسته به تعریفی است که از انسان و جهان و دولت ارائه می‌شود و به همین جهت حقوق فرهنگی از بحث برانگیزترین مباحث است. حقوق فرهنگی به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان بوده که در عالی‌ترین اسناد ملی و جهانی مندرج و مطرح است و از جایگاه شایسته‌ای در نظام حقوق داخلی و حقوق بین‌المللی برخوردار می‌باشد. در تحقیق حاضر به بررسی مسئولیت و تعهدات دولت در ارتباط با حقوق فرهنگی شهروندان مطابق با مقررات داخلی و موازین حقوق بشری پرداخته شده است.

ادبیات موجود

آنچه امروزه با اصطلاح حقوق فرهنگی مطرح است مربوط به دهه‌ی هفتاد میلادی است که توسعه‌ی فرهنگی جای خود را در میان برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های گوناگون ملی و بین‌المللی باز کرد. در سال ۱۹۷۰، در کنفرانس بین‌الدول و نیز، از بعد تازه‌ای به مفهوم فرهنگ نگریسته شد. در این کنفرانس این مسأله که برای اینکه کشورها به یک توسعه‌ی همه‌جانبه و پایدار در تمام سطوح جامعه دست یابند باید در بخش فرهنگ سرمایه‌گذاری کنند، مورد تأکید قرار گرفت و فرهنگ به عنوان زیربنای توسعه در معنای گسترده به کار گرفته شد. روی سخن این فرایند‌ها

۱. هاشمی، سید محمد، "حقوق بشر و آزادیهای اساسی"، تهران، میزان، ۱۳۸۴، صص ۴۵۰-۲۴۹

مستقیماً با حکومت‌ها بود که مسئول اصلی به بار نشانیدن توسعه‌ی فرهنگی به حساب می‌آمدند. یونسکو حقوق فرهنگی را به عنوان یکی از ابزارهای تحقق اهداف توسعه‌ی فرهنگی کشورها معرفی نمود. بر این اساس دولت‌های عضو از جمله ایران موظف شدند تا با تدوین قوانین، مقررات و رویه‌های و سازوکارهای قانونی متناسب، با انجام اقدامات ضروری به حمایت از حقوق فرهنگی شهروندان خود بپردازند. بدین ترتیب فرهنگ و حقوق فرهنگی شهروندان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. علی‌رغم اشارات پراکنده به موضوع فرهنگ و حقوق فرهنگی در منابع مختلف، هیچ کتاب، جزوه یا رساله‌ای به طور خاص به موضوع "مسئولیت دولت در قبال حقوق فرهنگی شهروندان" اختصاص پیدا نکرده است. لیکن از جمله کتابهایی که به طور محدود و گذرا به این مسأله پرداخته و در نوشتن این پایان‌نامه از آنها استفاده کرده‌ام عبارتند از: کتاب حقوق فرهنگی (رویکرد اسلامی) تألیف محسن داوری، حقوق بشر در جهان معاصر، تألیف دکتر سید فاطمی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اثر دکتر سید محمد هاشمی و...

در همه این تألیفات، به طور مختصر، تنها به جنبه‌هایی از موضوع پرداخته شده است. در کتاب آقای داوری، حقوق فرهنگی از منظر اسلام و با رویکرد اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و به جنبه‌ی داخلی و بین‌المللی آن پرداخته نشده است. کتاب دکتر هاشمی، حقوق فرهنگی را در دو دسته‌ی فردی و جمعی قرار داده و برخی مصادیق آن را با توجه به قوانین داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار داده است. دکتر سید فاطمی در کتاب خود، مصادیقی از حقوق فرهنگی نظیر آزادی بیان و آزادی مذهب را مورد بحث قرار داده و مستندات آن را در اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای بیان داشته است.

با توجه به اهمیت موضوع، وجود تألیفاتی پیرامون مسئولیت دولت در حوزه ی فرهنگ و حقوق فرهنگی، ضروری به نظر می رسد. در این رساله تلاش می شود به این بحث پرداخته شود و در کنار طرح مسئولیت و تعهد دولت و مصادیق حقوق فرهنگی، قوانین داخلی و بین المللی مرتبط با آن مورد ارزیابی قرار گیرد.

انگیزه ی تحقیق:

انگیزه ی من از انتخاب این موضوع، علاقه ی شخصی و میل به آشنایی با مقوله ی فرهنگ و آگاهی از نگاه اسناد بین المللی و داخلی مرتبط با آن بوده است. با توجه به ابهاماتی که در تعریف فرهنگ وجود دارد و ارتباط سایر حوزه ها به ویژه دولت با آن، این سوال برایم مطرح شد که نقش دولت و حمایت و دخالت آن در این عرصه تا چه حد است. در این رساله تلاش کردم به این موضوعات پردازم.

فایده ی تحقیق:

پرداختن به موضوع تعهدات دولت نسبت به حقوق فرهنگی فوایدی دارد از جمله:

۱. ارائه و تعریف روشنی از حقوق فرهنگی سبب آشنایی شهروندان با این دسته از حقوق خود می شود.
۲. هم شهروندان و هم دولت ها، در قبال آن احساس مسئولیت نموده و دولت ها را در جهت بازبینی سیاست های کلان خود در مواجهه و پاسخگویی به این حقوق تشویق می کند.
۳. این شناسایی، تفسیر و تعبیر این حقوق به عنوان یک تعهد و مسئولیت خاص و بین المللی است و با چنین تأکیدی، دولت ها موظف می شوند از این حق، حمایت ملی و بین المللی به عمل آورند.

مشکلات و ابهامات نظری و عملی تحقیق:

در انجام این تحقیق، موانعی نیز پیش رو بود از جمله:

پیرامون موضوع رساله منابع مستقیم وجود نداشت.

قوانین و مقررات منسجم در ارتباط با حقوق فرهنگی در دسترس نبود.

اسناد بین المللی و داخلی، به طور پراکنده و تنها مصادیقی از حقوق فرهنگی را مورد توجه قرار

داده اند. قانون اساسی کشور ما، قوانین عادی و اسناد چشم انداز و برنامه های توسعه، به گونه ای

مختصر به این موضوع پرداخته اند.

سوالات تحقیق

سوالات اصلی:

مسئولیت دولت در قبال حقوق فرهنگی شهروندان خود به چه میزان است؟

سوالات فرعی:

۱- آیا اساساً دولت باید در حوزه ی حقوق فرهنگی شهروندان مداخله داشته باشد؟

۲- قلمرو مسئولیت و تعهدات دولت در حوزه ی فرهنگ چگونه قابل ترسیم است؟

۳- آیا دولت در قبال میراث فرهنگی متعهد است؟

فرضیه ها

دولت در حد ایجاد حیات سالم مدنی متعهد به تامین حقوق فرهنگی شهروندان خود است.

روش تحقیق

شیوه ی گردآوری مطالب، کتابخانه ای و روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی می باشد. منابع مورد استفاده، شامل کتب، مقالات، قانون اساسی، قوانین عادی و مقررات است. در این راستا و در مقام غنی تر ساختن هرچه بیشتر گفتمان حاکم بر موضوع، مطالبی از بعضی سایت های تخصصی نیز مورد بهره برداری قرار گرفته است

سازمان دهی پژوهش:

در این کار تحقیقی برای سهولت مطالعه و رعایت نظم منطقی ، مطالب در سه فصل تنظیم شده که هر فصل به تعدادی مبحث و گفتار تقسیم شده است. ذیل برخی گفتارها بند هایی جهت تشریح جزئیات موضوع تدارک دیده شده است.

فصل اول ، بررسی مفاهیم و تاریخچه موضوع است. در این فصل سیر تاریخی توجه به مفهوم حقوق فرهنگی و نگاه ایدئولوژی ها و مکاتب مطرح جهان پیرامون مداخله ی دولت در عرصه ی حقوق فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم به مسأله ی تعهدات دولت نسبت به حقوق فرهنگی و معرفی اسناد جهانی و منطقه ای مرتبط با این موضوع پرداخته است و در مبحث سوم موضوع میراث فرهنگی در سطح جهانی مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل سوم موضوع تعهدات دولت نسبت به حقوق فرهنگی شهروندان در سطح داخلی ، مشخصاً حقوق ایران طرح شده و در مبحث آخر این فصل به موضوع میراث فرهنگی، سیر تاریخی و قوانین مرتبط با آن در سطح داخلی پرداخته شده است.

تعریف واژگان کلیدی:

واژگان کلیدی این رساله عبارتند از:

مسئولیت:

در این رساله مسئولیت در معنای تعهد، تکالیف و وظایف بوده و منظور از مسئولیت دولت، حمایت و به رسمیت شناخته شدن و مانع ایجاد نکردن و تبعیض قائل نشدن است.

دولت:

دولت در معنای حکومت می باشد .

شهروند:

شهروند کسی است که تحت اقتدار و حاکمیت و حمایت یک دولت قرار دارد و دارای حقوق مدنی و تکالیفی نسبت به دولت است.

فرهنگ:

از فرهنگ تعاریف متعددی بیان شده است. تعریفی که در اینجا برگزیده ایم عبارت است از: مجموعه ی دانش ها، نگرش ها، باورها و منش های یک ملت، که مؤلفه های آن عبارتند از: نظام شناخت ها، باورها، ارزش ها و گرایشها و رفتارها و کردارها.

حقوق فرهنگی:

در حاشیه ی موضوع فرهنگ، بحث حقوق فرهنگی مطرح می شود که تنها خود مردم نسبت

به آن حق تصمیم گیری دارند و دیگر افراد از دخالت در آن بازداشته شده اند. تهیه ی فهرست

کامل و جامعی از آن دشوار است. برخی مصادیق بارز آن ، آزادی مذهب، آزادی بیان،حق بر آموزش، حق بر مالکیت معنوی و حق مشارکت در زندگی فرهنگی و ارتقاء فرهنگ عمومی می باشد.

فصل اول:

تاریخچه ی حقوق فرهنگی و پیدایش دولت

مسئله‌ی دخالت دولت در عرصه‌ی فرهنگ از نگاه ایدئولوژی‌ها و مکاتب فلسفی نیز دور نمانده است. به عنوان مثال لیبرالیسم و مارکسیسم، بحث‌هایی را در این زمینه مطرح نموده‌اند.

هم‌زمان با مطرح شدن توسعه‌ی فرهنگی در میان برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های گوناگون ملی و بین‌المللی، بحث حقوق فرهنگی نیز مطرح گردید. در سال ۱۹۷۰ در کنفرانس بین‌الدول و نیز، سرمایه‌گذاری در عرصه‌ی فرهنگ، عنوان شد و به دنبال آن حقوق فرهنگی شهروندان نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. کنفرانس‌های بین‌المللی دیگری نیز در این زمینه تشکیل شدند. در همه‌ی آنها حکومت‌ها مسئول اصلی توسعه‌ی فرهنگی دانسته شدند و این حق برای مردم به رسمیت شناخته شد که توسعه‌ی فرهنگی جامعه و حقوق فرهنگی خود را از دولت‌ها مطالبه کنند.

در کنار مفهوم توسعه‌ی فرهنگی، مفهوم دولت و دولت‌مدرن نیز مطرح می‌شود. دولت‌های مدرن از قرن شانزدهم به بعد روی کار آمدند و به لحاظ داشتن ویژگی‌هایی متمایز شناخته شدند. یکی از این ویژگی‌ها، موضوع وفاداری به حقوق شهروندان بود.

همزمان با تغییر و تحول مفهوم دولت و اهمیت روزافزون بحث فرهنگ و نقش برجسته‌ی آن در توسعه‌ی همه‌جانبه و فراگیر، مسئولیت برقراری و تضمین حقوق فرهنگی شهروندان به عهده‌ی دولت‌ها گذاشته شد. بدین ترتیب دولت‌ها برای ایجاد حیات مدنی و جامعه‌ی مدنی سالم، عهده‌دار تضمین، رعایت و احترام و به بار نشان دادن حقوق فرهنگی شهروندان خود شدند.

در این فصل به توضیح و تشریح بیشتر این مباحث می‌پردازیم. فصل حاضر در سه مبحث تنظیم شده است. مبحث اول شامل کلیات، تاریخچه و مفاهیم است و مبحث دوم نگاه برخی از برجسته‌ترین ایدئولوژی‌ها و مکاتب فلسفی را، نسبت به موضوع فرهنگ، از نظر می‌گذراند. در

مبحث آخر به بحث دولت و دخالت آن در جامعه ی مدنی و ارتباط آن با حقوق فرهنگی پرداخته

می شود.

مبحث اول: مفاهیم مربوط به حقوق فرهنگی و تاریخی آن

سال ۱۹۷۰ به بعد نگاه جامعه ی جهانی به موضوع توسعه ی فرهنگی و اهمیت آن در جهت دست یابی به توسعه ی همه جانبه جلب شد. این امر موجب توجه بیش از پیش به موضوع فرهنگ و حقوق فرهنگی شده و اهمیت آن را بیش از گذشته مشهود ساخت. از جمله مفاهیمی که در کنار این موضوع مطرح می شوند عبارتند از دولت، شهروندان و تعهداتی که در این زمینه وجود دارد. در این مبحث بیشتر به توضیح این موضوع می پردازیم.

گفتار اول: مفاهیم

در این گفتار به توضیح واژگان کلیدی (مسئولیت - دولت - حقوق فرهنگی - شهروند) و به عبارتی دیگر مفاهیم اصلی به کار گرفته شده در این پایان نامه می پردازیم.

مسئولیت:

در توضیح واژه ی مسئولیت چنین آورده شده است:

آنچه انسان عهده دار آن باشد، از وظایف و اعمال و افعال.^۱

تعهد قانونی شخص به رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است. خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او شده باشد. فقه در همین معنی لفظ ضمان را بکار برده است و معنی آن هر نوع مسئولیت اعم از مسئولیت مالی و مسئولیت کیفری است.^۲

در تحقیق حاضر مسئولیت در معنای تعهد، تکالیف و وظایف بوده و منظور از مسئولیت دولت، حمایت و به رسمیت شناختن و مانع ایجاد نکردن و تبعیض قائل نشدن است. به عبارت دیگر

۱. عمید، حسن، "فرهنگ عمید"، تهران، مؤسسه ی انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۱۱۳، ذیل واژه ی مسئولیت.

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، "ترمینولوژی حقوق"، کتابخانه گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۷۰، ص ۶۴۲

در اینجا، مسئولیت و تعهد هم در معنای سلبی و هم در معنای ایجابی مد نظر می باشد. جنبه ای ایجابی تعهد، تأکید به حمایت و جنبه ی سلبی آن مانع ایجاد نکردن در جهت استیفاء حقوق است.

دولت:

در زبانهای فرانسه و انگلیسی واژه ی (stat= etat) معادل دولت، در لغت به معنی وضع و حالت یک شی آمده است. بعدها در نوشته های سیاسی کم کم به معنی وضع و حالت کشور و امور عمومی بکار رفت. واژه ی دولت با معانی کنونی از اوایل قرن شانزدهم در برخی کتب سیاسی مانند شهریار اثر مشهور ماکیاولی ۱۵۱۵ میلادی و کتاب جمهوری اثر ژان بدن فرانسوی ۱۵۷۶ میلادی معمول و رایج گردید.

در اصطلاح حقوق اساسی واژه ی دولت به معانی مختلف آمده است:

- ۱- دولت به معنی وسیع کلمه به کشور (جامعه سیاسی) و یا جامعه ی ملی اطلاق می شود.
- ۲- دولت به معنی محدود کلمه به قدرت سیاسی یا حکومت که یکی از عناصر تشکیل دهنده ی دولت است اطلاق می شود و منظور از آن مجموع سازمانها و مقامات سیاسی است که اداره ی جامعه را به عهده دارند.
- ۳- دولت به معنی باز هم محدود تر کلمه در میان قوای عمومی که شامل قوه ی مقننه مجریه و قضائیه است، تنها به قوه ی مجریه اطلاق می شود و گاهی نیز کلمه ی دولت به معنی قوه یا مقامات مرکزی (هسته ی اصلی دولت) در مقابل مقامات محلی استعمال می شود.

جامعه‌شناسان واژه‌ی دولت را به مفهومی اطلاق می‌کنند که در یک جامعه‌ی پیشرفته و متکامل، دستگاه حکومتی و قدرت سیاسی به مرحله‌ای از تکامل رسیده و به یک جامعه‌ی همگن و متجانس (بنام ملت) فرمان می‌راند.^۱

دولت به مفهوم نهاد نهادها، گسترده‌ترین کلیتی است که هم میدانگاه حقوق اساسی و هم موضوع مورد بررسی آن است. دولت جامعه‌ی سیاسی و سازمان یافته و نهاد بندی شده‌ای است که از سایر جوامع متمایز بوده و شخصیت مشخص و متمایزی از عناصر ترکیبی خود دارد. سایر نهادهای سیاسی از آن ناشی شده‌اند و در قالب این مفهوم وسیع جای دارند. قواعد حقوقی نهادهای مختلف به ویژه نهادهای سیاسی و همچنین رژیم‌ها (حکومت‌ها) همه و همه از عناصر ساختاری این جامعه‌ی سیاسی‌اند. واژه‌ی دولت در زبان فارسی معانی مختلفی افاده می‌کند ولی در زمینه‌ی حقوق عمومی و سیاست سه معنی مهم زیر بر آن بار شده است:

۱. کلیت متمایز و مشخصی که با دستگاه حکومت و یا افراد و نهادهای قدرت این دولت‌ها اشتباه نمی‌شود.

۲. گاهی واژه‌ی دولت به معنای جبهه‌ی فرمانروایان (هیأت حاکم، نهادها‌ی فرمانروا، متصدیان سیاسی) یک کشور در برابر حکومت شوندگان، ملت، مردم و شهروندان به کار می‌رود. در این وجه، مفهوم دولت بر کلیه‌ی کارگزاران و نهادهایی اطلاق می‌شود که بر فرمانبران حکومت می‌کنند. مفهوم دولت در این برداشت در برابر مفهوم مردم و ملت قرار می‌گیرد.

۱. طباطبایی مومنی، منوچهر، "حقوق اساسی (کلیات و رژیم‌های مهم سیاسی)"، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰، صص ۲۳-